

معیارهای بهینه برنامه‌ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباطات متقابل اجتماعی

محمدرضا پورجعفر^۱، علی‌اکبر تقوایی^۱

۱- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

بافت مسکونی شهرهای کهن ایران دارای ماهیت و هویتی اصیل است که ریشه در فرهنگ و مذهب ایرانیان دارد. واحد محله به عنوان بخش مسکونی شناخته شده شهرهای قدیمی، پس از ورود اسلام دارای خصوصیات ویژه‌ای گردید که موجب ارتقای رفتارهای اجتماعی شد؛ به همین علت به هویتی قابل ملاحظه دست یافت. این سیر تحول تا اواخر دوران قاجاریه و اوایل دوران پهلوی تداوم داشت تا اینکه همزمان با حرکت مدرنیسم در غرب با تحولاتی روبرو شد؛ این تحولات خواسته و ناخواسته به مرور زمان موجب تغییر ماهیت و هویت بافت شهری گردید که انعکاس آن تحولات اجتماعی-فرهنگی، آسیبها و ناهنجاریهای اجتماعی در کشور را به ارمغان آورد؛ شایان ذکر اینکه برخی از آنها پیامدهای نه چندان مطلوبی را به دنبال داشت.

این مقاله ضمن تجزیه و تحلیل چگونگی تحولات محله‌ها در بافت قدیم شهری و بویژه علل بی‌توجهی نسبت به آن یا تبدیل بافت محلات به واحدهای همسایگی غربی^۱ در بخش گسترش شهرها، به چگونگی رکود و تنزل رفتارهای اجتماعی-فرهنگی، بی‌هویتی و بی‌تفاوتیهای اجتماعی ناشی از این تحولات می‌پردازد.

کلید واژگان: بافت قدیمی، محله، واحد همسایگی، برنامه‌ریزی جامع، روابط اجتماعی متقابل

۱- مقدمه

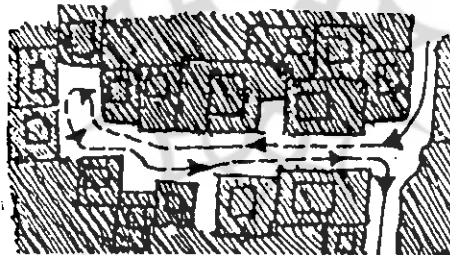
بیشتر شهرهای بزرگ ایران اولین تجربه شهرسازی خود را با دگرگون کردن بافت قدیم شهر و بدون برنامه‌ای حساب شده آغاز کردند. به عنوان نمونه در تهران در سال ۱۳۱۶ طرح جدید شهر تحت نظر مستشاران خارجی تهیه شد [۱]. این طرح تحت تأثیر جریان بین‌المللی «جنبش مدرن» و بافت شطرنجی قرار گرفت [۲]. بافت شطرنجی و جدایی عملکردهای شهری بر اساس منطقه بندی خشک بی‌روح، از مفاهیم پایدار این طرح بود. براساس این طرح ساختمانهای قدیمی مانند محله قدیمی ارگ مورد بی‌توجهی و سرانجام تخریب قرار گرفتند؛ پس از این مرحله ساختمانها و عمارات جدید دولتی مانند کاخ دادگستری و وزارت دارایی ساخته و جایگزین آن گردید؛ به عبارت دیگر طرح سنتی تحت تأثیر ساختار بیگانه قرار گرفت و زندگی سنتی حاصل از



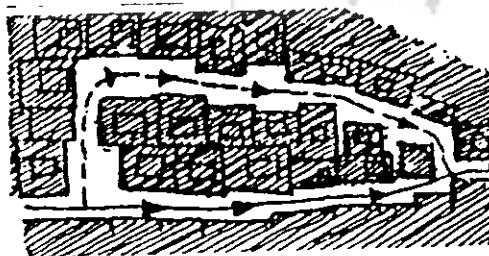
آن به علت روابط اجتماعی جدید و ارداتی دچار دگرگونی شد [۳]. پس از تهران سایر شهرهای ایران نیز بتدریج تحت تأثیر قرار گرفتند [۴]. این مسأله در حالی بود که هنوز در شهرهای ما همچون شهرهای غرب کشور به سبب مواجه نشدن با مشکلات انقلاب صنعتی، نه تنها از آلودگیهای زیست محیطی ناشی از رشد و گسترش صنایع خبری نبود بلکه جوی آرام همراه با آسایش و امنیتی خاص بر اساس فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی در شهرها و در محله‌های شهری حکم فرما بود [۵]. بدین ترتیب محلات قدیمی در شهرهای متأثر از این جریانات یا از بین رفتند یا بی اساس و بی هویت شده و کار آیی خود را از دست دادند و سرانجام به بافتهای متروکه تبدیل شدند [۶].

۲- محلات قدیمی و خصوصیات مثبت آنها

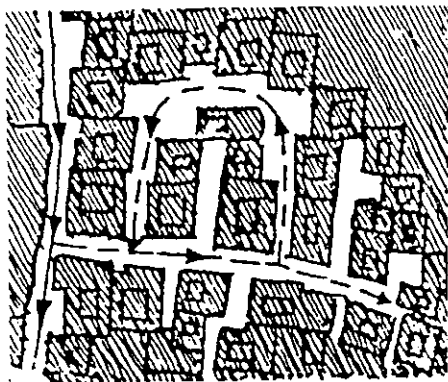
در شهرهای اسلامی از جمله ایرانی، محله یا کوی به منزله شهری کوچک در دل شهر به حساب می آمد که دارای بازار چه، مسجد، مدرسه و دیگر عوامل و تسهیلات مورد نیاز ساکنان خود بود. این تسهیلات به وسیله کوچه‌های باریکی به یکدیگر و به منازل مسکونی متصل می شدند و مجموعاً محیطی را پر از شور و نشاط، پویایی، توازن، آسایش، امنیت و هماهنگی برای سکونت و زندگی فراهم می آوردند که پر از شور، نشاط، پویایی، توازن، آسایش، امنیت و هماهنگی بود [۷].



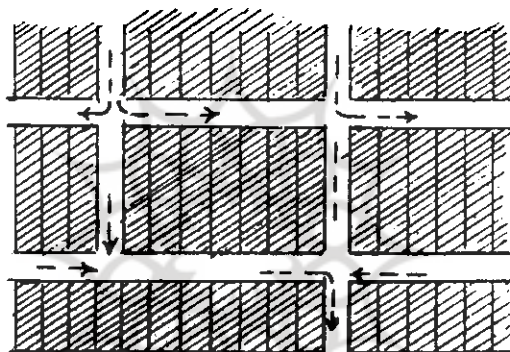
شکل ۱-الف - قسمتی از یک محله قدیمی که خانه‌ها حول کوچه‌ای بن بست قرار دارند، بدین ترتیب مساله محرومیت، امنیت و آسایش در یافت مسکونی حاصل شده است.



شکل ۱-ب - بخشی از محله قدیمی که منازل مسکونی در وسط و اطراف کوچه یا گذرگاهی حلقوی بنا شده‌اند.



شکل ۱-ج - ترکیبی از موقعیتهای الف و ب



شکل ۱-د - شبکه شطرنجی

در شبکه‌های «۱-ب» و «۱-ج» شبکه ارگانیک بافت مسکونی درجه پایتتری از ویژگیهای ذکر شده در محله را نسبت به «الف» نشان می‌دهد. لذا در یک شبکه شطرنجی «د» - که کاملاً باز است - نکات مثبت مذکور به حداقل کاهش می‌یابد.

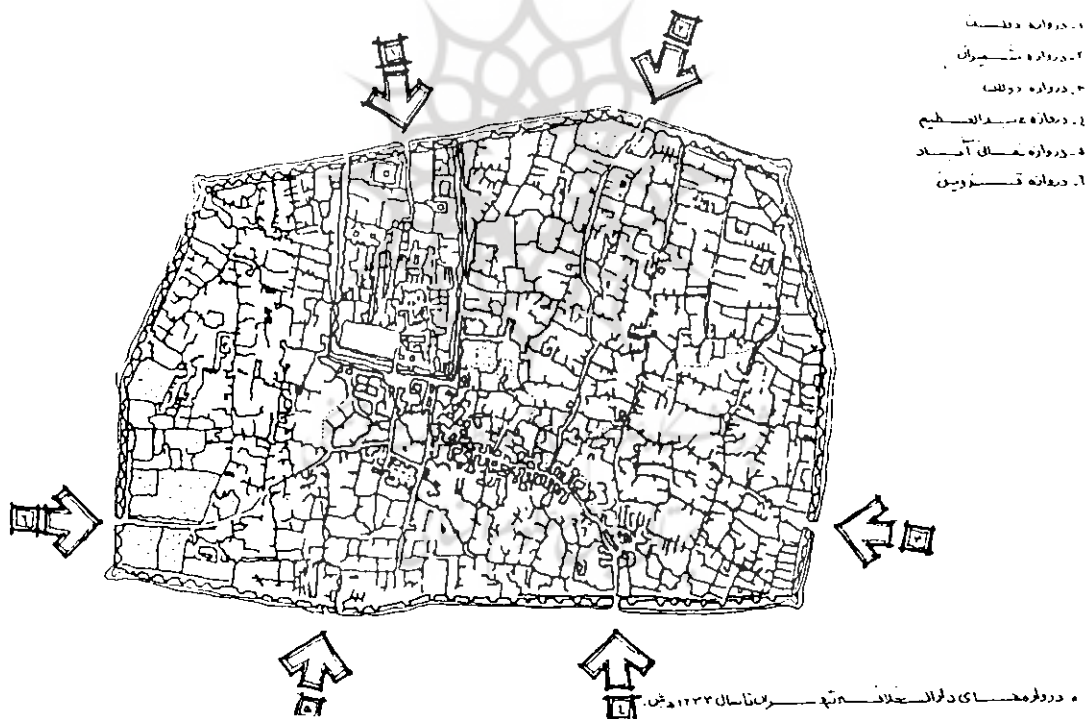
موضوع حائز اهمیت دیگر - که محله‌های قدیمی دارای آن بودند - انسجام، مقیاس و تناسبات انسانی بود. بدیهی است وجود چنین مزایایی موجب نزدیکی ساکنان و بالا رفتن ارتباطات چهره به چهره^۱ و روابط اجتماعی متقابل^۲ و تقویت و پایداری این روابط و سرانجام به وجود آمدن فضای گرم و صمیمی^۳ می‌شد؛ به این ترتیب مشکلات فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی مردم به وسیله خود ساکنان محلات مرتفع می‌گردید.

1. Face to face relation
2. Social interaction
3. Social solidarity and social sustainable relations with warmth and intimacy



برنامه‌ریزی جامع و محلات قدیمی

برنامه‌ریزی جامع^۱، فرایندی است که طی آن با درک همه جانبه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فضایی و اقلیمی یک جامعه، به برنامه‌ریزی بپردازیم. بنابراین با توجه به اهمیت محلات قدیمی و کارایی آنها در انسجام بخشیدن به زندگی اجتماعی مردم، به کارگیری برنامه‌ریزی جامع در شهرها می‌تواند راهکاری نجات بخش برای شهرهای ما باشد. درک این موضوع که شکل‌گیری شهرهای سنتی ما، حاصل سالها تجربه و اندیشه و متناسب با نیازهای منطقی و حساب شده شهروندان است [۸]. (و نه نتیجه تفکرات خلق شده در یک شب و حاصل خصلتهای فردگرایی فرهنگهای بیگانه)، بسیار حایز اهمیت است. به عنوان مثال راه پیدا کردن ایده طرح پیشنهادی^۲ - که به غلط طرح جامع نامیده شد - در شهرسازی ما به علت ناهماهنگی و نزدیک نبودن روحیه شهروندان و به طور کلی با معیارهای سنجش در فرهنگ شهری چه از نظر فیزیکی و کالبدی و چه از نظر اجتماعی و سازگاری بیشتر آن با واحدهای همسایگی شهرهای مغرب زمین^۳ تخریب بافتهای ارگانیک شهرهای ما را موجب شد (شکلهای ۲ و ۳).



شکل ۲: بافت ارگانیک شهر تهران قبل از دوران پهلوی و مدرنیسم

1. Comprehensive planning
2. Master plan
3. Neighbourhood unit Concept



شکل ۳ تغییر بافت آرگانیک به هندسی و شروع انعکاس فیزیکی تفکرات مدرنیسم در شهر تهران

۳- تفاوت‌های واحد همسایگی غربی با محله‌های سنتی اسلامی - ایرانی

پیشرفت جوامع صنعتی و راهیابی اتومبیل به عنوان یکی از ضروری‌ترین وسایل زندگی مردم موجب تغییر بافتهای قدیمی شهرها در تمام جهان و طبعاً ابتدا در شهرهای مغرب زمین گردید. پذیرش مدل شطرنجی^۱ در غرب، نتیجه سازگاری ماشین با زندگی شهری بود که بتدریج و بدون لطمه زدن به بافتهای قدیم جای خود را در طراحی سایر شهرها باز کرد؛ بر همان اساس واحدهای همسایگی^۲ بر اساس دو عامل فیزیکی اندازه^۳ و جمعیت استوار^۴ توسعه یافت و شهر از تعدادی از واحدهای مذکور و مراکز اداری، آموزشی، تجاری و صنعتی تشکیل گردید [۹] (شکل‌های ۴ و ۵). تفاوت بین طرح واحدهای همسایگی و

1. Grid Iron Pattern

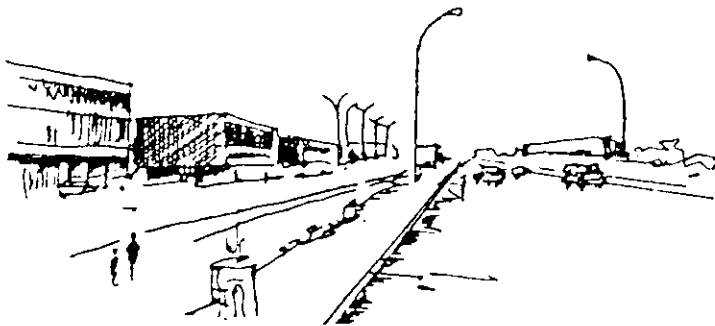
2. Neighbourhood units

۳. در هر واحد همسایگی، فاصله دبستان تا محل سکونت دانش‌آموزان را حدود ۱/۴ مایل در نظر می‌گیرند که بتوان مسافت یادشده را در مدت زمان کمی به صورت پیاده طی نمود.

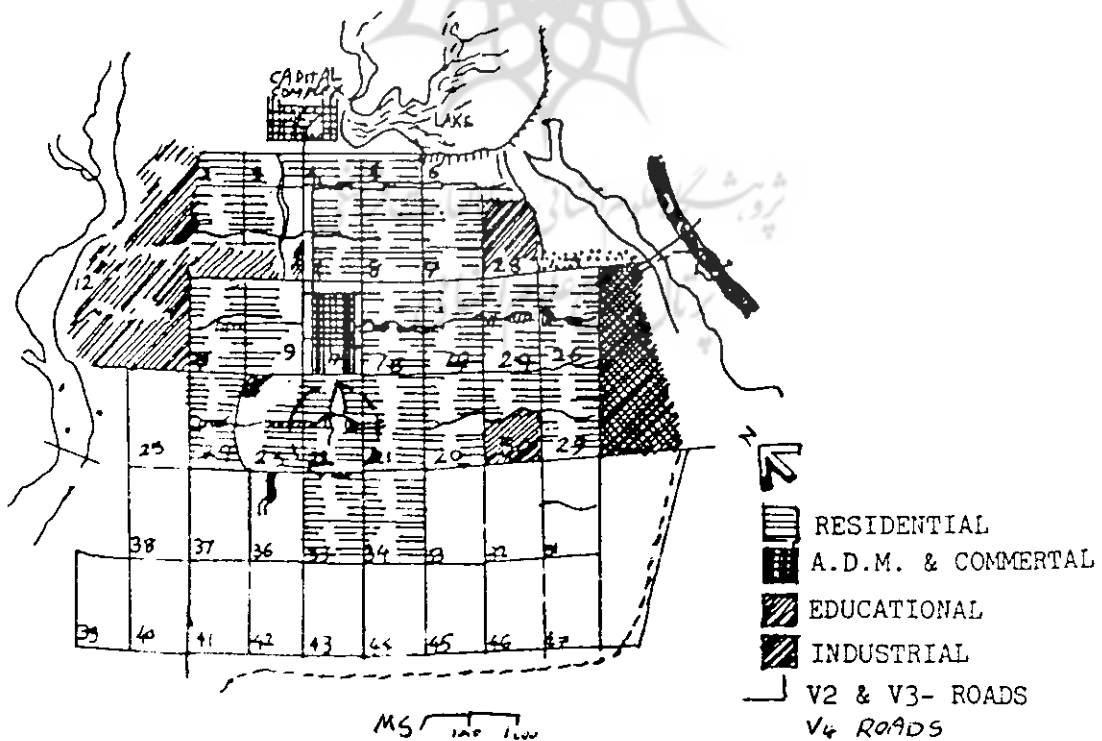
۴. چنانچه مدرسه یادشده برای مثال یکصد محصل داشت با توجه به بعد تقریبی خانوار - که در کشورهای غربی ۴ یا کمتر از ۴ است - تعداد تقریبی خانوار در آن همسایگی عددی حدود ۴۰۰ نفر خواهد بود.



محلله‌های قدیمی در این است که محله‌های قدیمی بیشتر بر ابعاد اجتماعی و واحدهای همسایگی بیشتر بر ابعاد فیزیکی تأکید دارند. لوکوربوزیه که از سردمداران مکتب مدرنیسم محسوب می‌شود، فرهنگ را نوعی تفکر زاویه‌دار و هندسی می‌داند! [۱۱].



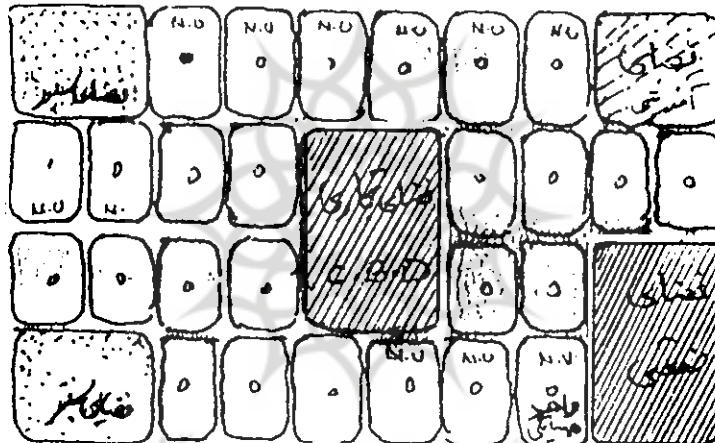
شکل ۴ نمایی از خیابانهای درونی چندبگیر: سرد، بی روح، بی تناسب و بدون مقیاس انسانی و تنها برای رفتن از نقطه‌ای به نقطه دیگر و نه جای تعمق و درنگ [۱۰].



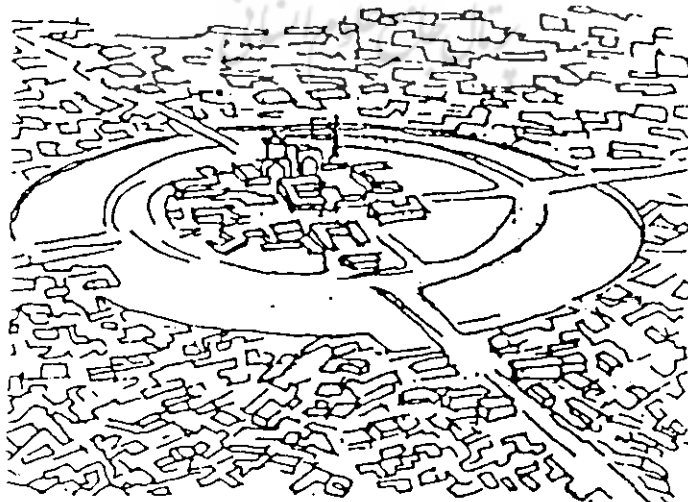
شکل ۵ چندبگیر، نمونه اجرا شده طرح شطرنجی از لوکوربوزیه در هندوستان (چندبگیر)

۴- آثار نامطلوب اقتباس از واحدهای همسایگی غربی

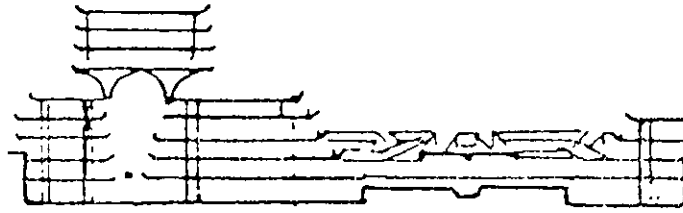
امروزه به سبب بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتباس از طرح‌های واحد همسایگی غربی به جای محلات قدیمی ایرانی، موضوع حریمیت، امنیت و آسایش در بافت مسکونی تضعیف شده است. به عبارت دیگر، بخش مسکونی، دیگر به ساکنان آن متعلق نیست؛ ماشینها بدون محدودیتی منطقی، بسته به تمایل خود از هر طرف می‌توانند عبور کنند که این مسأله محل آسایش کودکان و بزرگسالان است. تعریضهای غیر ضروری و بدون مطالعه در گذرگاهها و کوچه‌های بافتهای قدیمی با ارزش نیز - که اغلب شرایط و امکان منطقی برای تخریب و تعریض را ندارند - خود عامل بزرگی در بروز مشکلات می‌باشد. شایان ذکر اینکه عدم رسیدگی به امکانات، تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، فرسودگی و متروکه شدن این محله‌ها را موجب شده است؛ این امر به نوبه خود باعث تغییر ساکنان و تبدیل محل به محله فقیرنشین یا قشر محروم با درآمد پایین و گهگاه محلی مناسب برای انواع انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. بنابراین خواسته‌های مدرن گونه - که بافت سنتی راه‌ها می‌کند و به بخش گسترشی شهر می‌پردازد - به نحوی در راستای از بین بردن بافتهای قدیمی با ارزش شهر گام بر می‌دارند. (شکل‌های ۶-۸).



شکل ۶ شهر متشکل از واحد همسایگی



شکل ۷ تأثیر دوران مدرن و تخریب بافت سنتی شهر مشهد [۱۲] (نیمه اول دهه شصت ه. ش.)



شکل ۸ (الف) ساختمانهای بلند پیشنهادی در اطراف حرم مطهر حضرت رضا (ع) سبک مدرن.



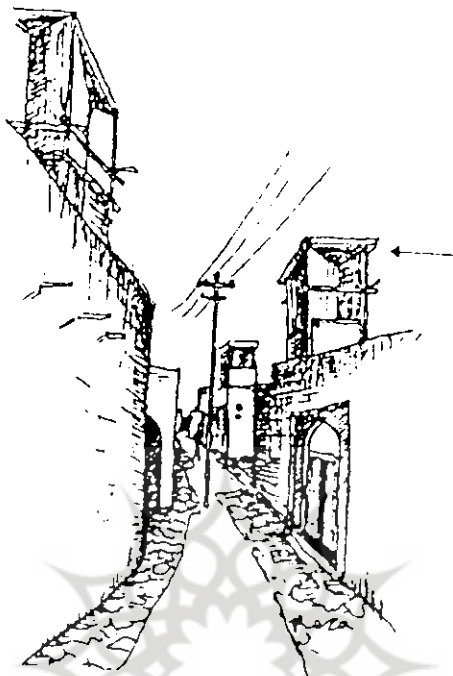
شکل ۸ (ب) مقطع ساختمانهای پیشنهادی اطراف حرم (طرح قبلی) [۱۳]

طرح پیشنهادی گذشته، موجب تخریب روحیه و فضای مذهبی و ایجاد جوی تجاری و مادی در محیط اطراف حرم شد؛ امروزه معماران و طراحان بخشی از طرح انجام شده را مجدداً تخریب نموده و با تفکر ادغام بافت ارگانیک با مجموعه حرم به کار مشغولند.

۵- ضرورت زنده کردن محلات قدیمی

همانطوری که در بحث محلات قدیمی اشاره شد، محلات سنتی شهرهای ما با بازارچه و مغازه‌های کوچک و متنوع و با صفای آن، با مدرسه، حمام عمومی و مسجد محله و غیره آنچنان آمد و رفت و شور و نشاطی را به وجود می‌آوردند که تمام ساکنان به منزله افراد یک خانواده بزرگ تلقی می‌شدند [۱۳]. از طرفی بافت‌های محلات قدیمی شهرها به صورتی بودند که هر غریبه‌ای نمی‌توانست بر احتی و آرد محله‌ای شود و احياناً امنیت ساکنان را به خطر بیندازد. سلسله مراتبی از محرمیت از درون هر خانه به دالان، هشتی، ورودی و کوچه، سرگذر، بازار و محله و سرانجام شهر و بر عکس وجود داشت [۱۴]. از نظر فیزیکی نیز

تناسب و مقیاس حساب شده و موزونی بین مصالح، تکنیک ساخت و کاربری بناها و فضاها وجود داشت که بسیار آرامش بخش و باروح ساکنان سازگار بود (شکل‌های ۹-۱۱).



شکل ۹ نمایشی از یک کوچه با توجه به ابعاد انسانی و اقلیمی منطقه [۱۵].



شکل ۱۰ بافت ارگانیک یک محله در شهر قدیمی دهلی که محله را به صورت واحدی قابل تشخیص و دارای هویت نشان می‌دهد [۱۶].



شکل ۱۱ نمایی از بازار شهرهای قدیمی و مسلمان نشین (دهلی قدیم) [۱۷]

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف- جامعه انسانی - که نمود عالی آن در شهرهای مدرن و پر زرق و برق امروزی جستجو می‌شود- توفیق چندانی در سامان دادن به یک زندگی آرام و دور از دغدغه خاطر نداشته است؛

ب- بخشی از عدم موفقیت ذکر شده در فوق از پیشرفت سرسام آور فناوری و ماشینی شدن بسیاری از روابط اجتماعی شهر نشینان ناشی شده است که بشدت موجب تضعیف روز افزون همبستگیها، همدلیها و روابط متقابل اجتماعی می‌گردد؛

ج- برای رفع مشکلات فوق، باید با برنامه‌ریزی جامع راهی را در پیش گیریم که تقویت کننده روابط مثبت و سازنده بین انسانها برای بوجود آوردن شهرهای فرهنگی و یویا باشد. این مهم بازنده کردن بافتها و محلات قدیمی با کاراییها و رفتارهای هنجار و سازنده آنها از فرایندهای عملی و نتیجه بخش جوامع شهری ما میسر خواهد شد؛

د- با توجه به مزایای فراوان و نقش سازنده بافت محله نه تنها باید به عناصر و عوامل سنتی بافت محله برای ارتقای ارتباطات اجتماعی توجه خاص مبذول داشت بلکه در پی ایجاد عوامل و عناصر جدید و هماهنگ با زندگی معاصر بودن را نیز مد نظر قرار دهیم؛

این عوامل در قدیم عبارت بودند از:

محل برداشت آب آشامیدنی مشترک؛ محل خرید شیر؛ اماکن تفریحی مشترک؛ محل تبادل اخبار و اطلاعات؛ محل برگزاری مراسم مذهبی؛ محل خرید روزانه و سایر روابط اقتصادی اجتماعی - مراکز کار یابی

عوامل فوق در حال حاضر به صورت مرکزیت‌های زیر قابل ذکر می‌باشند:

محل تفریحات مشترک؛ پارک محله؛ فضای ورزشی؛ مرکز خرید؛ ایستگاه روزنامه خوانی؛ ایستگاه اینترنت؛ سکوی اشتغال؛ محل گردهمایی انجمنها؛ مراسم مذهبی و سخنرانیها؛ محل برگزاری مراسم و جشنها؛ مسجد و کتابخانه محله.

نتیجه کلی اینکه برای ایجاد شهرهای سالم فرهنگی در آینده به جای پیشرفت بسوی تمرکزگرایی و گسترش کلان شهرها، و مگالوپلیسها به تقویت شهرهای کوچک و ارگانیک بپردازیم تا از ناهنجاریهای گوناگون - که محیط امن اجتماعی را معشوش می‌سازد - در امان مانیم.

۷- منابع

- [۱] حبیبی، سید محسن، ازشار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، صص. ۲۷، ۲۸، ۱۴۵-۱۵۵.
- [۲] پاکدامن، بهروز، نگاهی کوتاه بر شیوه‌ها و گرایشهای معماری در تهران، تهران: کتاب تهران، ۱۳۷۰، صص. ۵۳-۷۹.
- [۳] سازمان میراث فرهنگی؛ بهسازی محله عودلاجان، مجله اثر، تهران؛ انتشارات سازمان میراث فرهنگی؛ ۱۳۶۴، صص ۵۴-۱۰۱.
- [4] Bakhtiar Laleh and Farhad, Leila, *The Interaction of Tradition and Technology*; Ministry of Housing and Development; Government of Iran, Isfahan, 1970.
- [۵] اداره کل مسکن و شهرسازی استان اصفهان، طرح بهسازی محله جماله؛ وزارت مسکن و شهرسازی، مهر ماه ۱۳۷۲، صص ۱-۲۱.
- [۶] پورجعفر، محمدرضا، «نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهرهای اسلامی»، مجموعه مقالات معماری مسجد، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶؛ صص. ۵۱-۵۹.
- [7] Pourjafar, M R., "Morphology of Indigenous and Contemporary Urban Spaces"; Paper Presented in a Course Seminar, S. P. A, U. D. Department, N. Delh; 1986
- [8] Pourjafar, M R., "Neighbourhood Unit: Percept and Performance, Case Study Chandigarh, Old Delhi-India", *International Conference on Urban Development*, Isfahan, New Towns, 1993.
- [9] Pourjafar, M R., *Neighbourhood Unit Percept and Performance*, B. Arch Thesis, CCA, India, 1983.
- [۱۰] شوای، فرانسواز؛ واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی؛ تهران؛ دانشگاه تهران.
- [11] Pourjafar. M.R. Feedback. Mechanism. Urban Planning Conservation and Implementation Correlations, (CIB), Proceedings of International Symposium on Property Maintenance Management and Modernization, Singapore: 1990, 7-a, March, PP.442-447.
- [۱۲] فلامکی، محمد منصور، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۶۵.
- [۱۳] توسلی، محمود، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران؛ تهران، ۱۳۷۱، ص ۷.
- [۱۴] پورجعفر، محمدرضا، شهرداری بندر لنگه، طرح تفصیلی بنادر لنگه و گنگ، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷.
- [15] Pourjafar, M.R Opcit, pp.25-30.
- [16] Maitra, A. K.; *Shahjahanabad: Urban Form and Pattern*; SPA; 1980. pp.16-20.



پروہشکادہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی